

سُبْحَانَكَ يَا قُدُّوسُ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ الْمَقْدُوسِ الَّذِي يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ لَا يُدْرِكُكَ السَّمْعُ وَلَا الْبَصَرُ وَلَا يَحِيطُ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِكَ وَسِعَتْ رُكُوعًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به اسم الله رحمان رحیم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ، آنرا که از اوست آنچه در سماواتست و آنچه در زمین و از اوست

الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ<sup>ط</sup> وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ<sup>①</sup> يَعْلَمُ مَا يَدْبُرُ فِي

الحمد در آخرت. و اوست حکیم خبیر \* دارد علم آنچه درآید در

الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ

زمین و آنچه شود خارج از آن و آنچه شود نازل از سماء و آنچه کند عروج

فِيهَا<sup>ط</sup> وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ<sup>②</sup> وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

آنجا. و اوست رحیم غفور \* و گوید کسان کافر

لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ لَاعِلْمِ الْغَيْبِ

نمی آید بر ما ساعت. بگو بلی! و بر بزم که می آید بر شما، عالم غیب است،

لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَ

نباشد پنهان از او مثقال ذره در سماوات و نه در زمین و

لَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ<sup>۳</sup> لِيَجْزِيَ

نه اصغر از آن و نه اکبر الا باشد در کتاب مبین \* تادهد جزاء

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَرْزُقُوا

بکسان با ایمان و اعمال صالح. آنهاست برایشان مغفرت و رزق

كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

کریم \* و آنانکه سعی دارند در آیات ما بعاجز کردنش آنهاست برایشان عذاب

مِّن رَّجْزِ الْيَمِّ ﴿٥﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ

از شکنجه الیم \* و می بینند آنانکه داده شده بودند علم، آنچه شده نازل

إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ④

بتو از رب تو، هست حق و میکند هدایت به صراط عزیز حمید\*

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُوكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يَنْبِئُكُمْ إِذَا

و گوید کسان کافر آیا کنیم دلالت شمارا به مردیکه دهد خبر بشما چون

مُرِقْتُمْ كُلَّ مَرِقٍ ۚ إِنَّكُمْ لَعَفَىٰ خَلْقٍ جَدِيدٍ ⑦ افترى على

ریزه ریزه شدید بکلی ریزه میباشید در خلقت جدید \* افترا کرده بر

اللَّهُ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي

الله دروغی یا براوست جنونی. نه! آنانکه ندارند ایمان به آخرت در

الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ۵ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

عذاب و گمراهی و بعیید اند \* آیا چرا نمی بینند آنچه مابین دستهای آنهاست

وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ شَأْنَهُمْ خِيفٌ بِرَبِّهِمْ

و آنچه خلف آنهاست از آسمان و زمین. گر خواهیم می کنیم خسف آنها را

الْأَرْضِ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ ۖ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

بزمین یا میدهیم سقوط بر آنها پارچه از سماء. یقیناً در اینست

لَايَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ۚ ۙ وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا ۖ

آیتی بکل عبد منیب \* و البته دادیم داود را از خود فضیلتی.

يُجِبَالُ أَوْ بِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ ۗ وَالنَّالَةَ الْحَدِيدَ ۗ ۙ إِنَّ أَعْمَلَ

یا جبال بسرائید همرايش و هم طيور. و کردم نرم برایش حدید را \* که بکن عمل

(۱) حدید: آهن، اشیاء تیز، سخن تیز، رویه تیز و غیره.

سِبْغَتٍ وَقَدَّرُ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ

گشاده و مقدار کن در رشته ها<sup>۱</sup> و بکنید اعمال صالح. منم بر آنچه میکنید

بَصِيرٌ<sup>۱۱</sup> وَإِسْلِيمَانَ الرَّيْمِ عُدُّ وَهَاشَهْرٌ وَرَوَاحُ شَهْرٍ<sup>۱۲</sup>

بصیر\* و برای سلیمان باد<sup>۲</sup> را، پگاه آن ماه ای و بیگاه آن ماه ای.

وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ

و دادیم جریان برایش چشمهٔ مس را. و از جن بعضی میکردند عمل پیش دست او

(۱) دفاع کنید از دنیا و دین خود با تدبیر و سنجش، همانطوریکه لباس زره گشاده با حلقه های مستحکم میسازید.

(۲) سرسبزی و نشاط زمین مربوط بادهاست که ابرها را سوق میدهد و غیره.



بِإِذْنِ رَبِّهِ<sup>ط</sup> وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نَذِقْهُ مِنْ عَذَابِ

بازن رب او. و آنکه کند سرکشی از ایشان از امر ما، دهیم ذائقه او را از عذاب

السَّعِيرِ<sup>۱۳</sup> يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُونَ مِنْ مَّحَارِبٍ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانِ

آتش \* میساختند برایش آنچه میخواست از محارِب<sup>۱</sup> و تماثیل و لگن ها

كَالْجُؤَابِ وَقُدُورٍ رُسَيْتٍ<sup>ط</sup> اِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ

بقدر حوضها و دیگهای مستحکم. "بکنید عمل آل داود بشکر." و قلیلی از

(۱) محارِب: محراب ها، طاق ها، کمان ها.

عِبَادِي الشُّكُورُ<sup>(۱۳)</sup> فَلْيَاقْضِينَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهِمْ عَلَى

عبادم شکور اند \* باز وقتی قضاء کردیم براو موت را، نکرد دلالت به آنها بر

مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةً الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَاتِهِ<sup>(۱۴)</sup> فَلْيَاخِرْ تَبَيَّنَتْ

موتش إلا جانوری زمین که میخورد عسای او را. <sup>۱</sup>وقتی سقوط کرد نمایان شد

الْبُحْنُ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ

بحن که کاش همواره میداشتند علم برغیب نمیکردند درنگ در آن عذاب

(۱) کرم چوب خوار یا وزیز نا اهل که سلطنت را بخاک کشید.

الْبُهِينِ ⑭ لَقَدْ كَانَ لِسَبَا فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّتٍ عَنْ

ناگوار \* البته بود برای سبا در مسکن آنها نشانه. دو جنتی از

يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۖ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ ۗ بَلَدَةٌ

یمین و شمال. "بخورید از رزق رب خود و شکر کنید براو". بلد

طَيِّبَةٌ وَرَبُّ غَفُورٌ ⑮ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ

طیب و رب غفور \* مگر اعراض کردند پس ارسال کردیم بر آنها سیل عرم را

(۱) یمین: راست (۲) شمال: چپ (۳) طیب: خوش بو، پاک (۴) عرم: نام بند مآرب.

وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ

و بدل کردیم دو جنت آنها را بدو جنت دارای میوه تلخ و گز و چیزی

مِّنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِمَا كَفَرُوا ۗ وَهَلْ يُجْزَىٰ

از سدر قلیل \* چنین جزاء دادیم آنها را چون کفر کردند. و آیا دهیم جزاء

إِلَّا الْكَافِرِينَ ﴿١٧﴾ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَرَكَتْنَا فِيهَا

إلا بکافران؟ \* و ساختیم بین آنها و بین قراء که برکت کردیم آنجا،

قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدْ رُنَا فِيهَا السَّيْرُ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَإِيَّامًا

قریه ها که ظاهراند، ومقرر کردیم بین آن سیر را. "سیر کنید بین آن شبانگاه و روزانه

أَمِنِينَ ﴿۱۸﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدُ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

به امن" \* مگر گفتند "رب ما بگذار بعد بین سفرهای ما" و ظلم کردند بنفسهای خود

فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

پس ساختیم آنها را افسانهها و ریزه کردیم آنها را بکلی ریزه ریزه. یقیناً در اینست آیات

(۱) باعد: دُور کن یا دورساز یا دُور است مصافه.

لِكُلِّ صَبْرًا شُكُورًا ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ

بكل صبار شکور \* و البته تصدیق کرد بر آنها ابلیس گمانشرا،

فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ

کردند متابعت او را الا فریقه \* از مؤمنین و نبود او را بر آنها

مِّنْ سُلْطٰنٍ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ هُمِّنْ هُوَ مِنْهَا

کدام سلطه الا تا کنیم معلوم آنرا که دارد ایمان بر آخرت از آنکه هست از آن

فِي شَيْءٍ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿۲۱﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ

در شك. و رب توست بر كل شیء حفیظ \* بگو دعا کنید آنرا که

زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَبْدُوكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ

بزعم شما اند به عوض الله. نیستند مالک مِثْقَالَ ذَرَّةٍ در سماوات

وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُمْ

و نه در زمین و نه آنهاست درین دو کدام شرکتی و نه اوراست از آنها

مِّنْ ظَهِيرٍ<sup>(۲۲)</sup> وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ

کدام ظهیری<sup>۱</sup> \* و نکند نفع شفاعت نزد او إلا آنرا که اذن داده باو. وقتی

إِذَا فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ

شد ترس دور از قلبهای آنها میگویند چه گفت رب شما. میگویند الحق. و اوست

الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ<sup>(۲۳)</sup> قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ

عالی کبیر \* بگو که میدهد رزق بشما از سماوات و زمین. بگو

(۱) الله به ظهیر و کمک گر احتیاج ندارد و نه کس قادر است که باو کمک گر و ظهیر باشد.



اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ قُلْ

الله! و یقیناً ما یا شما هستیم بر هدایت یا در ضلالت مبین \* بگو

لَا تَسْأَلُونَنَا عَمَّا آجُرْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلْ يَجْمَعُ

نشوید سؤال آنچه کردیم جرم و نشویم سؤال آنچه میکنید \* بگو میکند جمع

بَيْنَنَا رَبَّنَا ثُمَّ يَفْتَهُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفِتَاهُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾ قُلْ

بین ما رب ما باز میکند فیصله بین ما به حق. و اوست فتاح<sup>۱</sup> علیم \* بگو

(۱) فتاح: فیصله کننده، قضاوت کننده، حکم کننده.

أُرُونِي الَّذِينَ أَحَقُّتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۷﴾

بنمائید بمن آنانرا که ملحق کرده اید باو شرکاء، هرگز! بلکه اوست الله عزیز حکیم\*

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ

و نکردیم ارسال ترا الا بكافه<sup>۱</sup> مردم بشیر و نذیر و لاكن اكثر

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۲۸﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ

مردم ندارند علم \* و میگویند کی است این وعده اگر هستید

(۱) بكافه مردم: بهمه مردم، بتمام مردم

صَادِقِينَ ﴿۲۹﴾ قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً

صادقین \* بگو بشماست میعاد روزیکه نتوانید تأخیر دهید آنرا ساعتی

وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿۳۰﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ

و نتوانید مقدم آرید \* و گویند کسان کافر، نداریم ایمان براین قرآن

وَلَا يَأْتِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَّلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ

و نه برآنکه پیش از آن بود. و اگر بینی وقتی ظالمان موقوف شوند<sup>۱</sup>

(۱) استاده کرده شوند. توقف، توقیف، وقف، واقف

عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ ۖ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ

پیش رب خود، کنند راجع بعضی آنها به بعضی سخن را. میگویند کسان

اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا ۗ وَالْوَالَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿۳۱﴾ قَالَ

ضعیف شمرده بکسان متکبر "اگر نمیبودید شما می بودیم مؤمنین" \* گویند

الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا ۗ وَالَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا ۗ أَنَحْنُ صَدَدٌ كُمْ عَنِ

کسان متکبر بکسان ضعیف شمرده "آیا ما صدد شدیم شمارا از

الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَ كُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿۳۶﴾ وَقَالَ الَّذِينَ

هدایت بعد آنکه آمد بشما، نه! بودید مجرمین\* و گویند کسان

اسْتُضِعِفُوا الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكَرُوا لَيْلٍ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا

ضعیف شمرده بکسان متکبر "نه! مکر لیل و نهار که کردید امرمارا

أَنْ تَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَكَ آتِدَادًا<sup>ط</sup> وَأَسْرًا<sup>ط</sup> وَاللَّدَامَةَ لَنَا سِرًّا<sup>ط</sup>

که کنیم کفر بالله و بسازیم باو همتا هان." و کنند پنهان ندامت را<sup>۱</sup> وقتی بینند

(۱) شاید نمیتوانند عمق ندامت خود را اظهار کنند.

الْعَذَابُ وَجَعَلْنَا الْأَعْلَلَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ

عذاب را. و ساختیم غلیده ها بر گردنهای کسان کافر. آیا شوند مجازات

إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۳۳﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا

إلا آنچه میکردند عمل \* و نکرديم ارسال در قريه کدام نذیری الا

قَالَ مُتَرْفُوهُمَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿۳۴﴾ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ

گفت متمولین آنها "ما بر آنچه ارسال شده اید بر آن کافریم" \* و گفتند ما راست کثرت

أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِبُعَدَ بَيْنَ ۳۵ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ

اموال و اولاد و نمیشویم ما دچار عذاب \* بگو یقیناً رب من دهد بسط

الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۳۶ وَ

رزق را بهرکه خواهد و کند کم و لکن اکثر مردم ندارند علم \* و

مَا أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ

نه اموال شما و نه اولاد شماست آنکه کند قریب شمارا بما نزدیک إلا آنکه

أَمِنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَ

آرد ایمان و عمل صالح کند. پس آنهاست برایشان جزاء دوچند برآنکه عمل کردند و

هُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ

باشند در غرفه ها به امن. و آنانکه میکنند سعی در آیات ما بعاجز کردنش

أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ

آنها اند در عذاب حاضر شوندگان \* بگو یقیناً ربم دهد بسط رزق را



لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ<sup>ط</sup> وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

بهر که خواهد از بندگانش و کند کم بر او. و آنچه می‌دهید نفقه از اشیاء

فَهُوَ يَخْلِفُهُ<sup>ج</sup> وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ<sup>۳۹</sup> وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ

باز او میکند جبرانش. و اوست بهترین رازقین \* و یومیکه کند حشر آنها را جمیعاً باز

يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْلًا أَمْ كُنْتُمْ كَافِرِينَ<sup>۴۰</sup> قَالُوا سُبْحَانَكَ

میگوید بملائکة آیا این گروه شمارا میکردند عبادت \* گویند سبحان بتو

أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرَهُمْ

تو هستی ولی ما بجای آنها. بلکه بودند آنها عبادت کنندگان جن. اکثر آنها

بِهِمْ مُؤْمِنُونَ<sup>(۴۱)</sup> فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفَعًا وَلَا

بر آن داشتند ایمان \* پس امروز نشود مالک بعضی شما از بعضی نفع و نه

ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا

ضرری. و میگوئیم بکسان ظالم ذائقه کنید عذاب آتش را که بودید بر آن

تَكْذِبُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بِرَبِّنَا قَالُوا مَا هٰذَا إِلَّا

تکذیب کنندگان\* و چون شود تلاوت بر آنها آیات روشن ما میگویند نیست این الا

رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا مَا هٰذَا

مردی که دارد اراده تا بازدارد شمارا از آنچه میکرد عبادت آباء شما. و میگویند نیست این

إِلَّا افْكٌ مَّفْتَرِيٌّ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَلْحَقِّ لَبِئْسَ مَا جَاءَهُمْ لَا

الا دروغ افترائی. و گویند کسان کافر بحق، وقتی رسد آنها را، نیست

هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَمَا آتَيْنَهُمْ مِّنْ كِتَابٍ يَّدْرُسُونَهَا وَمَا

این الا سحر مبین \* و نداده بودیم آنها را کدام کُتُب که درس بگیرند از آن و نه

أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

ارسال کردیم برایشان قبل از تو کدام نذیری. \* و تکذیب کردند کسان از قبل اینها

وَمَا بَلَغُوا مِيعَةَ مَا آتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي وَفِي كَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ ﴿٤٥﴾

و نرسیدند بمِيعَة آنچه دادیم آنها را و تکذیب کردند رُسُل مرا. و چطور بود انکار از من \*

(۱) معشار: يك بر ده یا دهم حصه.

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفُرَادَى ثُمَّ

بگو میکنم وعظ بشما يك چیز، که کنید اقامه برای الله دو دو و منفرد باز

تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جُنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ

بکنید تفکر. نیست برصاحب شما کدام اجنه. نیست او إلا نذیر بشما پیش از

يَدَى عَذَابٍ شَدِيدٍ ۴۶ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ

رسیدن عذاب شدید \* بگو آنچه خواهم از شما کدام اجری، برای شماست.

إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾ قُلْ

نیست اجر من الا بر الله. و اوست بر كل شیء شهید \* بگو

إِنَّ رَبِّي يَقْذِرُ بِالْحَقِّ عِلْمَ الْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا

یقیناً ربم می افکند بحق، بس عالم است بر همه غیب \* بگو آمد حق و نکند

يُبْدِي الْبَاطِلَ وَمَا يَعْبُدُ ﴿٤٩﴾ قُلْ إِنْ ضَلَّكُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ

بدو باطل و نکند عودت \* بگو اگر گمراه شده ام بیقین گمراه شده ام

عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّكَ سَمِيعٌ

بر نفسم. و اگر هدایت شده ام از آنست که وحی کرد بمن ربم. یقیناً اوست شنوا

قَرِيبٌ ۵۰ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فِرْعَوْنُ فَلَا فُوتَ وَأَخَذُوا مِنْ مَّكَانٍ

قریب \* و اگر ببینی وقتی فزع کنند، نباشد گریزی و شوند مأخوذ از مکان

قَرِيبٌ ۵۱ وَقَالُوا امْكَايِبُهُ وَانِي لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَّكَانٍ

قریب \* و گویند ایمان آوردیم (بحق). و کجا آنها را بدست آید از مکان

بُعِيدٍ ۵۲ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِرُ فُؤُونًا بِالْغَيْبِ مِنْ

بعید \* و جداً انکار کردند (بحق) از قبل. و میانداختند (گمانها) بر غیب از

مَكَانٍ بُعِيدٍ ۵۳ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ

مکان بعید \* و حائل شود بین آنها و بین آنچه دارند آرزو چنانکه فعل شد

بِأَشْيَاءِ عَرَّمُوا مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ ۵۴

با شیعه آنها از قبل. یقیناً اینها بودند در شك بتردد \*